

A Study of Role of NGO's in increasing Social Capital and Its Effect on Development in Iran (Case Study: Qom Province)

Hadi Hemmatinejad^{1*}, maghsod ranjbar², Mahdi Asgari³, Seyyed Vahid Hosseini⁴

1. *Ph.D. Student, Political Sciences (General Policy-making Field), IAU, Tehran Science and Research Branch, Qom, Iran. (Corresponding Author): h.hemmati60@yahoo.com*

2. *Assistant Prof., Department of Political Science, Qom Unit, Islamic Azad University, Qom, Iran. Maghsoodranjbar@gmail.com*

3. *Ph.D. Student, Political Sciences (General Policy-making Field), IAU, Tehran Science and Research Branch, Qom, Iran. mehdi.kachol@yahoo.com*

4. *MA. Graduate, Political Sciences, IAU, Qom Branch, Qom, Iran. seyyed.vahid.hoseiny@gmail.com*

Received: 3 May 2018; **Revised:** 25 May 2018; **Accepted:** 9 June 2018

Abstract

The issue of development like other issues is a complete and comprehensive one that demands multilateral partnership of all people in policy-making, planning, implementing and evaluating the whole developmental plans. Therefore, under current circumstances, it is not possible to fulfil aims of the states in the field of development without public partnership. NGO's are generated by such demand for partnership of society and state. This article deals with a study of role of NGO's in increasing social capital and its effect on development in Iran. Case study is limited to Qom Province. The results indicate that NGO's trigger facilitation of development process in society while increasing and upgrading level of indices and components of social capital. Methodology is descriptive-survey in this paper and it is conducted by using documentary information and field studies (questionnaire tools) comprised of statistical group of 93 NGO's. Validity of questionnaire was approved by elite professors and coefficient Reliability was confirmed by calculation of alfa Cronbach (0.865). Data were analyzed by SPSS in two inferential and descriptive parts. Descriptive statistics were used to show frequencies, mean and standard deviation and the discrepancy between observed mean and Likert spectrum mean was inspected through inferential figures and single type T test. Findings of research show that there is a meaningful and positive role between NGO's, social capital and its effect on development.

Keywords: Civil Society, Development, NGO's, Social Capital.

بررسی نقش سازمان‌های غیردولتی در افزایش سرمایه اجتماعی و تأثیر آن بر توسعه در ایران (مورد مطالعه: استان قم)

هادی همتی نژاد^{۱*}، مقصود رنجبر^۲، مهدی عسگری^۳، سید وحید حسینی^۴

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی (گرایش سیاستگذاری عمومی)، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات تهران - قم، ایران. (نویسنده مسئول): h.hemmati60@yahoo.com

۲. استادیار، دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قم، قم، ایران. Maghsoodranjbar@gmail.com

۳. دانشجوی دکتری علوم سیاسی (گرایش سیاستگذاری عمومی)، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات تهران - قم، ایران. mehdi.kachol@yahoo.com

۴. کارشناسی‌ارشد علوم سیاسی، دانشگاه آزاد، واحد قم، قم، ایران. seyed.vahid.hoseiny@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۲/۱۳ تاریخ اصلاح: ۱۳۹۷/۰۳/۰۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۳/۱۹

چکیده

مسئله توسعه مانند دیگر مسائل امری کامل و جامع است که نیازمند مشارکت همه جانبه مردم در سیاستگذاری، برنامه‌ریزی، اجرا و ارزشیابی همه برنامه‌های توسعه‌ای است. بنابراین، در شرایط کنونی امکان تحقق اهداف دولت‌ها در زمینه توسعه، بدون مشارکت آحاد مردم وجود ندارد. سازمان‌های غیردولتی زاینده چنین نیازی برای مشارکت جامعه و دولت هستند. این مقاله به بررسی نقش سازمان‌های غیردولتی در افزایش سرمایه اجتماعی و تأثیر آن بر توسعه در ایران می‌پردازد. محدوده مورد مطالعه استان قم بوده است. نتایج حاکی از آن است که سازمان‌های غیردولتی ضمن افزایش و ارتقای سطح ابعاد و شاخص‌ها و مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی موجب تسهیل فرایند توسعه در جامعه می‌شوند. روش تحقیق در این پژوهش پیمایشی-توصیفی است و با به‌کارگیری اطلاعات اسنادی و مطالعات میدانی (ابزار پرسشنامه) که ۹۳ سازمان غیردولتی جامعه آماری آن را تشکیل می‌دهند، انجام گرفته است. روایی پرسشنامه توسط استادان خبره تأیید شد و ضریب پایایی آن با محاسبه آلفای کرونباخ (برابر با ۰/۸۶۵) تأیید شد. داده‌های با نرم‌افزار SPSS در دو بخش توصیفی و استنباطی تجزیه و تحلیل شد. از آمار توصیفی برای نمایش فراوانی‌ها، میانگین و انحراف استاندارد استفاده شده و از طریق آمار استنباطی و آزمون تی تک‌نمونه تفاوت بین میانگین مشاهده‌شده با میانگین طیف لیکرت بررسی شد. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که بین سازمان‌های غیردولتی، سرمایه اجتماعی و تأثیر آن بر توسعه، نقش مثبت و معناداری وجود دارد.

واژگان کلیدی: توسعه، جامعه مدنی، سازمان‌های غیردولتی، سرمایه اجتماعی.

مقدمه و بیان مسأله

در شرایط کنونی، از نظر سیاسی، فرهنگی و اقتصادی، امکان تحقق اهداف دولت‌ها در زمینه توسعه، بدون مشارکت و همیاری تمام آحاد جامعه وجود ندارد. سازمان‌های غیردولتی یا بخش سوم زاییده چنین نیازی برای مشارکت جامعه و دولت هستند. این سازمان‌ها بدون آنکه بدنه دولت را حجیم و فربه کنند، می‌کوشند از طریق همکاری مردمان با هم و با دولت و بخش خصوصی، در بسیاری از زمینه‌ها بسترساز توسعه و رشد جامعه باشند (الوانی، ۱۳۸۷، ص ۳۷). در رهیافت‌های جدید توسعه، دولت همه برنامه‌ها را اجرا نمی‌کند. به این ترتیب با عقب‌نشینی دولت از عرصه توسعه، زمینه لازم برای اجرای «توسعه مشارکتی»^۱ فراهم شده، و پس از آن توسعه مشارکتی مطرح شد. یعنی بحث درباره ایجاد فضا برای مشارکت افرادی است که توسعه برای آن‌ها صورت می‌گیرد. از این رو، گسترش مشارکت‌های مردمی در فرایند توسعه و در چارچوب جامعه مدنی، اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد و جامعه مدنی و نهادهای آن از لوازم اصلی تحقق توسعه مطلوب محسوب می‌شوند. سازمان‌های غیردولتی که بر پایه مشارکت‌های داوطلبانه مردمی به وجود آمده‌اند، ابزار مناسبی برای اجرای اهداف توسعه محسوب می‌شوند. به این ترتیب سازمان‌های غیردولتی با بسیج داوطلبانه و تقویت توان اجتماعی برای توسعه، نقش مؤثری در رسیدن به اهداف توسعه ایفا می‌کنند (رضایی، ۱۳۸۶، ص ۱۲۸).

به‌طور کلی، می‌توان گفت سازمان غیردولتی متشکل از گروهی افراد داوطلب است که بدون وابستگی به دولت و بصورت غیرانتفاعی و عام‌المنفعه با تشکیلات سازمان‌یافته در جهت اهداف و موضوعات متنوع فرهنگی، اجتماعی، خیریه، تخصصی و صنفی فعالیت می‌کنند. به این ترتیب، چهار ویژگی داوطلبانه‌بودن، مستقل‌بودن از دولت، غیرانتفاعی‌بودن و در خدمت مردم بودن جزء جدایی‌ناپذیر یک سازمان غیردولتی محسوب می‌شود. علاوه بر این، نداشتن بوروکراسی^۲ پیچیده، انعطاف‌پذیری بالا، داشتن تفکر جهانی و عمل محلی و پاسخگو بودن نسبت به گروه‌های

1. Participatory development

2. Bureaucracy

آسیب‌پذیر نیز از جمله ویژگی‌های یک سازمان غیردولتی است (الوانی، ۱۳۸۷). همچنین، فرضیه اصلی متون نظری توسعه اجتماعی آن است که سازمان غیردولتی به مثابه حاملان اصلی سرمایه اجتماعی، بالقوه می‌توانند ظرفیت چشم‌گیری برای ارتقای سطح توسعه و به‌ویژه توسعه اجتماعی از خود بروز دهند (ایمانی جاجرمی، ۱۳۸۱، ص ۴۸). به‌طور خلاصه، سازمان‌های غیردولتی با ویژگی‌های مانند عضویت اختیاری داوطلبانه، تعیین اهداف بر اساس مشورت و همفکری میان اعضا، روابط افقی و مبتنی بر برابری حقوق با یکدیگر، نداشتن وابستگی به نهادهای صاحب و اعمال‌کننده قدرت سیاسی در جامعه، اهداف غیرانتفاعی مانند کمک به فقرا و آموزش و توجه به محیط زیست و ایجاد ائتلاف میان گروه‌های کوچک و همچنین، میانجی‌گری و ایفای نقش واسطه‌ای بین مردم و دولت می‌توانند مولد سرمایه اجتماعی و ارتقا و شکل‌گیری آن در جامعه شوند. به‌طور کلی، از سرمایه اجتماعی^۱ تعریف‌های مختلفی ارائه شده است. سرمایه اجتماعی مجموعه‌های موجود در سیستم اجتماعی است که موجب ارتقای سطح همکاری اعضای آن جامعه و پایین آمدن سطح هزینه‌های تبادلات و ارتباطات می‌شود. بر اساس این تعریف، مفاهیمی نظیر جامعه مدنی^۲ و نهادهای اجتماعی و سازمان‌های غیردولتی نیز دارای ارتباط مفهومی نزدیک با سرمایه اجتماعی می‌شود. به اعتقاد کلمن سرمایه اجتماعی عبارت است از روابط، هنجارها و شبکه‌هایی که فرد در آن عضویت دارد. از نظر پاتنام سرمایه اجتماعی عبارت است از ویژگی‌های سازمان اجتماعی مانند شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد که هماهنگی و همکاری را برای نفع متقابل تسهیل می‌کند (کاوسی و همکاران، ۱۳۸۷). در نهایت، بانک جهانی سرمایه اجتماعی را حلقه مفقوده توسعه معرفی می‌کند (زارعی متین و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۶).

پژوهش و تحقیق حاضر در نظر دارد نقش سازمان‌های غیردولتی در افزایش سرمایه اجتماعی و تأثیر آن بر توسعه در ایران را مورد بررسی و مذاقه قرار دهد. در این پژوهش ابتدا به بررسی مبانی نظری و تئوریک از قبیل توسعه و تحول مفهوم آن، جامعه مدنی، سازمان‌های غیردولتی،

1. Social capital

2. Civil society

سرمایه اجتماعی و نقش سازمان‌های غیردولتی در تسهیل فرایند توسعه و افزایش سرمایه اجتماعی پرداخته شده است؛ سپس، مدل تحقیق و مدل مفهومی آن که با رویکرد و مدل تلفیقی کاوسی و رحمانی بوده، ترسیم شده است. مباحث سرمایه و تأثیر آن بر توسعه در ایران حلقه مفقوده‌ای است که باید در افزایش سرمایه اجتماعی و استفاده بهینه از این موضوع بیشتر تلاش کرد. روش تحقیق این پژوهش پیمایشی (میدانی) - توصیفی است و بر اساس فرمول کوکران جامعه آماری و حجم نمونه، ۹۳ سازمان غیردولتی استان قم تعیین شده است. ابزار گردآوری تحقیق، پرسشنامه‌ای شامل ۴۲ پرسش استاندارد شده بوده است. داده‌های جمع‌آوری شده با نرم‌افزار تخصصی SPSS در دو بخش توصیفی و استنباطی تجزیه و تحلیل شد. آمار توصیفی برای نمایش فراوانی‌ها، میانگین و انحراف استاندارد و آمار استنباطی و آزمون تی تک‌نمونه‌ای برای بررسی تفاوت بین میانگین مشاهده شده و میانگین مفروض به کار گرفته شد. در پایان، با توجه به فرضیه اصلی تحقیق که عبارت است از «سازمان‌های غیردولتی ضمن افزایش و ارتقای سطح شاخص‌ها، مؤلفه‌ها و ابعاد سرمایه اجتماعی، موجب تسهیل فرایند توسعه در جامعه می‌شوند»، و همچنین، پس از آزمودن فرضیه اصلی و دیگر فرضیه‌ها نتیجه‌گیری می‌کند که سازمان‌های غیردولتی در توسعه و سرمایه اجتماعی نقش مثبت و معنادار دارند و اثبات می‌کند که سازمان‌های غیردولتی ضمن افزایش و ارتقای سطح ابعاد و مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، موجب تسهیل فرایند توسعه در جامعه می‌شوند. با توجه به اهمیت موضوع در این مقاله سعی شده است نقش برجسته سرمایه اجتماعی در مباحث توسعه پررنگ‌تر جلوه داده شود تا بتوان از فواید این مباحث به‌طور کامل بهره‌مند شویم.

مبانی نظری پژوهش

توسعه و تحول مفهوم آن

توسعه^۱ با آغاز انقلاب صنعتی در انگلستان متولد و به تدریج در سراسر دنیا گسترده شد. به این

ترتیب توسعه با تولید صنعتی و گسترش بازار همراه شد و آزادی، برابری و برادری نیز به مفهوم توسعه پیوستند. در چنین شرایطی نهاد دولت تضمین توسعه در چارچوب دموکراسی^۱ را عهده‌دار شد (Alejandro, 2006, p.8). کشورهای غربی در چارچوب این مدل، دولت رفاه را برای پیشبرد توسعه در مرزهای خود انتخاب کردند.

در این زمان توسعه مترادف با رشد اقتصادی بود، یعنی روندی که به افزایش درآمد سرانه و تولید ناخالص ملی منجر شده و باعث بهبود سطح زندگی بهتر برای مردم محروم می‌شد. اما در عمل ثابت شد ناکارآمدی ساختارهای سیاسی و اجتماعی مانع از توسعه اقتصادی مطلوب خواهد شد (قوام، ۱۳۸۴). در این چارچوب تصور می‌شد به واسطه وجود همبستگی در میان جوامع انسانی (در سایه توسعه ارتباطات) اگر بتوان جهان سوم را از لحاظ روانی به مثابه جوامع پیشرفته صنعتی، مدرن تلقی کرد و کمک‌های لازم اقتصادی در اختیار آن قرار داد، توسعه مطلوب به دست خواهد آمد (قوام، ۱۳۸۴). اما برخلاف این خوش‌بینی‌ها و ساده‌اندیشی‌ها در عمل ملاحظه شد که نبود ساختارهای کارآمد اجتماعی در جهان سوم، رشد اقتصادی آن‌ها را تحت تأثیر قرار داده و رشد درآمد اقتصادی این کشورها باعث توسعه مطلوب اجتماعی در آن‌ها نشده است.

جهت‌گیری اقتصادی در مطالعات مربوط به توسعه نیز کاملاً آشکار بود. پل باران متنفذترین اقتصادان توسعه در میان چپ‌گرایان در سال ۱۹۵۷، رشد یا توسعه را افزایش تولید سرانه کالاهای مادی تعریف کرد. والتر راستو در سال ۱۹۶۰ «بیانیه غیر کمونیستی»^۲ خود را توصیف مراحل رشد اقتصادی خوانده و بر این فرض بود که این متغیر واحد می‌تواند کل جامعه را به تصویر کشد (زاکس، ۱۳۷۷، ص ۲۳).

جامعه مدنی

اصطلاح جامعه مدنی معمولاً در مقابل دولت به حوزه‌ای از روابط اجتماعی اطلاق می‌شود که

1. Democracy
2. Non-communist manifesto

فارغ از دخالت قدرت سیاسی است. اگر ویژگی اصلی دولت ساخت قدرت آمرانه و تابعیت باشد، در آن صورت جامعه مدنی فاقد چنین ساختی است (بشیریه، ۱۳۷۴، ص ۳۳۰). جامعه مدنی در واقع حوزه اقتدار جامعه را نشان می‌دهد و اینکه جامعه تا چه اندازه می‌تواند در مقابل دولت از خواست‌های خود دفاع کند. وسعت حوزه‌های اقتدار در این دو بخش (جامعه و دولت) می‌تواند براساس بازی با حاصل جمع جبری صفر ارزیابی می‌شود، زیرا هر اندازه در جهت ایجاد جامعه مدنی پیش می‌رویم، جامعه بزرگ‌تر و دولت کوچک‌تر شده و به هر میزان در جهت دولت اقتدارگرا حرکت کنیم، دولت بزرگ‌تر و جامعه کوچک‌تر می‌شود (قوم، ۱۳۸۴، ص ۱۵۱).

پوپر^۱ می‌گوید: «همچنان که در علم، پیشرفت نیازمند نقد مستمر است، در سیاست و جامعه نیز راه رشد و توسعه در آزادی انتقاد و عرضه راه‌حل‌های گوناگون و حل مسائل در ایجاد تغییر بر اساس آن‌ها است» بنا بر گفته وی «راز پیشرفت دموکراسی‌های غربی را نه در ثروت و منابع طبیعی آن‌ها بلکه در سابقه وجود اندیشه آزادی و انتقاد باید جست» (بشیریه، ۱۳۷۴، ص ۱۵۲).

سازمان‌های غیردولتی

اصطلاح سازمان‌های غیردولتی یا سازمان‌های مردم‌نهاد (دانشنامه فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۶، ص ۶۰)^۲ دربرگیرنده طیف وسیعی از سازوکارهای غیردولتی با اشکال و انواع متعدد و متفاوتی است (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۳، ص ۳). در ادامه به برخی تعریف‌های متداول اشاره می‌شود.

در ایران برای اولین بار به سازوکارهای غیردولتی و غیرانتفاعی با عنوان «شرکت‌های غیرانتفاعی» در «قانون تجارت» توجه شده و در متمم سال ۱۳۳۷ آن دوباره تعریف شده است (حجتی اشرفی، ۱۳۷۳، ص ۱۹۵). پس از انقلاب اسلامی در آیین‌نامه فرهنگ عمومی مصوب ۱۴ آبان ۱۳۶۴ شورای عالی انقلاب فرهنگی، سازمان‌های غیردولتی فرهنگی این گونه تعریف شد:

1. Popper

۲. برگرفته از <http://www.persianacademy.ir>

«مراکز، مؤسسات، انجمن‌ها و کانون‌های فرهنگی عبارت از هرگونه تشکیلاتی است که توسط افراد واجد شرایط برای فعالیت در یک یا چند قلمرو فرهنگی و هنری و سینمایی تأسیس می‌شود.»^۱ با گسترش روزافزون سازمان‌های غیردولتی در دو دهه اخیر، دولت طی مصوبه سال ۱۳۸۴، آیین‌نامه اجرایی تأسیس و فعالیت سازمان‌های غیردولتی را ابلاغ کرد که در آن «سازمان غیردولتی به تشکل‌هایی اطلاق می‌شود که توسط گروهی از اشخاص حقیقی یا حقوقی غیرحکومتی به صورت داوطلبانه با رعایت مقررات مربوط تأسیس شده و دارای اهداف غیرانتفاعی و غیرسیاسی می‌باشد» (مجموعه قوانین و مقررات سال، قوه قضاییه، ۱۳۸۴). با اندکی تفاوت، مرکز آمار ایران نیز از تعریف مشابهی استفاده کرده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵، ص ۷). در این پژوهش با توجه به برخی تفاوت‌ها و تشابهات، تعریف آیین‌نامه ۱۳۸۴ هیئت دولت مد نظر قرار گرفته است.

اصطلاحات مختلفی برای توصیف سازمان‌های غیردولتی به کار می‌رود. پاره‌ای از این اصطلاحات شامل «مؤسسات غیرانتفاعی»، «سازمان‌های توسعه غیردولتی»، «سازمان‌های جنبش اجتماعی جدید»، «سازمان‌های مردمی» و «سازمان‌های حمایت از مردم عادی» است که طیف وسیعی از سازمان‌ها، ایدئولوژی‌ها و فعالیت‌ها را دربرمی‌گیرد (رضایی، ۱۳۸۶، صص ۱۳۸-۱۳۷).

مزایای سازمان‌های غیردولتی

مزایای سازمان‌های غیردولتی^۲ بی‌شماری است که ناشی از نوع ساختار و ماهیت داوطلبانه آن‌هاست. این مزایا عبارت‌اند از:

۱. سازمان‌های غیردولتی با بهره‌گیری از منابع انسانی داوطلب و جذب منابع مالی، با هزینه بسیار پایین قادر به تحقق اهدافی می‌باشند که سایر سازمان‌ها از انجام دادن آن‌ها با آن حد هزینه، قاصرند.

۱. برگرفته از <http://www.iranculture.org>

2. The advantages of non-governmental organizations

۲. سازمان‌های غیردولتی با دسترسی ساده و آسان به افراد فقیر و نیازمند کمک در مناطق دوردست و متروک، با اثربخشی بالایی در این قبیل موارد یاری دهنده‌اند؛ در حالی که واحدهای دولتی به علت مرکزیت خود چنین خاصیت ندارند و مؤسسات بخش خصوصی نیز فاقد انگیزه برای ارائه چنین کمک‌هایی هستند.
۳. سازمان‌های غیردولتی، به منزله واحدهایی بسیج‌کننده محلی از قدرت عمل بسیار بالایی در مناطق برخوردارند. آن‌ها می‌توانند مشارکت مردمان محلی را جلب و گروه‌های داوطلبی را سازماندهی کنند که با همیاری هم اهداف توسعه را در مناطق عملی کنند.
۴. سازمان‌های غیردولتی می‌توانند به موقعیت و نیازهای منطقه را به‌درستی و از نزدیک تشخیص داده، خود را به آسانی با شرایط و نیازهای منطقه‌ای تطبیق دهند و سازگاری کنند. این مزیت موجب می‌شود تا برنامه‌های توسعه با دقت و سرعت بیشتری عملی گردند.
۵. سازمان‌های غیردولتی با استقرار در محله‌ها و مناطق، موجب توسعه و رشد فرهنگی، اجتماعی و سیاسی مردمان محلی می‌شوند. افراد منطقه با عضویت در این گونه سازمان‌ها از شیوه‌ها و روش‌های جدید مشارکت در امور آگاه می‌شوند و نوعی تمرین مشارکت را انجام می‌دهند که آنان را به صورت اعضای فعال سیاسی جامعه خود در می‌آورد. شهروندان از این طریق در مقابل جامعه مسئولیت پذیر می‌شوند و خود را در سرنوشت محله، منطقه، کشور و دنیای خود مؤثر می‌یابند.
۶. سازمان‌های غیردولتی با فعالیتهای آموزشی، ترویجی و ارشادی خود، موجبات توانمندسازی جامعه پیرامون خود را فراهم می‌کنند.
۷. سازمان‌های غیردولتی با طرح مسائل تازه و مشخص کردن نیازهای محله، در ذهن افراد پرسش‌های جدیدی را مطرح می‌کنند که موجب بروز خلاقیت و نوآوری در آنان می‌شوند؛ در نتیجه، این می‌تواند به ابداع شیوه‌های جدید برخورد با مسائل و خلق فناوری‌های نوین منجر شود (Cernea, 1998).

سازمان‌های غیردولتی و مدیریت توسعه

در گذشته‌ای نه‌چندان دور، مدیریت توسعه به تلاش‌هایی اطلاق می‌شد دولت برای برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌های توسعه به‌ویژه توسعه اقتصادی در کشور انجام می‌داد. از این دیدگاه، مدیریت توسعه جنبه‌ای کاملاً دولتی داشت و در اداره امور دولتی بخش عمده‌ای را به خود اختصاص می‌داد. اما با گذشت زمان و گسترش دامنه فعالیت‌های مربوط به توسعه، دولت‌ها دریافتند که به تنهایی قادر به انجام‌دادن این مهم نیستند و در این زمینه باید از معاضدت بخش خصوصی و مشارکت‌های مردمی نیز بهره‌مند شوند. در این دوره بود که اصطلاح مدیریت توسعه^۱، که جنبه‌ای کلی شامل بخش خصوصی و عمومی داشت، جایگزین اصطلاح اداره امور توسعه که بخشی از اداره امور دولتی به شمار می‌رفت، شد (Lewis, 2001). در این رویکرد جدید، مدیریت توسعه نیازمند همکاری و همیاری بخش خصوصی و سازمان‌های غیردولتی است و در توفیق برنامه‌های توسعه نقش مشارکت‌های مردمی و بخش سوم، بسیار موثر و تعیین‌کننده است. هر کشوری باید راه‌های توسعه خود را، خود طراحی کند و بنا به مقتضیات و شرایط خاص و با بهره‌گیری از توانمندسازی انسانی که معطوف به نیروهای بومی کشورهاست، مدیریت توسعه را به حرکتی مردمی تبدیل کند و برنامه‌های توسعه از پایین به بالا جای برنامه‌های دولتی و دستوری را بگیرد. بدین ترتیب، نقش قبلی دولت‌ها در توسعه کم‌رنگ خواهد شد.

باید به این نکته توجه کرد که توسعه پایدار و مستمر، مستلزم همکاری و معاضدت سه بخش دولتی، خصوصی و بخش سوم است. ادواردز و هولم با توجه به توفیق‌نیافتن سازمان‌های غیردولتی در برنامه‌های فقرزدایی که قرار بود به وسیله این سازمان‌ها به طور مستقل انجام گیرد، اعلام داشتند که این سازمان‌ها را نباید چون گلوله‌هایی سحرآمیز دانست که قادرند به‌طور جادویی مشکلات توسعه‌نیافتگی را حل کند (Edwards, Holme, 1992). این سازمان‌ها زمانی می‌توانند مؤثر باشند که در یک رابطه هم‌افزا در کنار بخش دولتی و بخش خصوصی عمل کنند. توماس

(۱۹۹۴) به چهار جزء اصلی در فرایند توسعه اشاره می‌کند که سازمان‌های غیردولتی به طور مؤثری می‌توانند در انجام‌دادن آن‌ها ایفای نقش کنند. این چهار جزء عبارت‌اند از:

۱. جهت‌دادن به تلاش‌های افراد برای تحقق اهداف؛

۲. تأکید بر ایجاد تغییر در جامعه؛

۳. رعایت اصول ارزشی در توسعه؛

۴. استمرار در توسعه.

سازمان‌های غیردولتی با توجه به نزدیکی آن‌ها به جامعه‌ای که توسعه در آن تحقق پیدا می‌کند، به‌خوبی قادرند در این فرایند انجام وظیفه کنند.

سازمان‌های غیردولتی در ایران

کار داوطلبانه و بشردوستانه در ایران تاریخ طولانی دارد؛ به‌طوری که تاریخ باستان ایران شاهد حرکت‌های شکوه‌مند مردمی برای ارتقا و پیشرفت اجتماعی بوده، همواره نقش اساسی «گروه‌های خیریه مردمی»^۱ است و در یاری‌رساندن به افراد نیازمند ایفا کرده‌اند. با این همه، این گروه‌ها از انسجام و ساختار نظام‌مند دور بوده‌اند و همین امر سبب شده است نتوانند همگام با تحولات سریع اجتماعی و تنوع روزافزون نیازمندی‌ها، پایه‌پای مؤسسات سازمان‌یافته نوین سازمان‌های غیردولتی امروزی به میدان بیایند و به یاری مردم بشتابند (سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۴).

به هر حال، مسلم است تشکل‌ها و سازمان‌های مردمی در ایران از قدمت تاریخی و پشتوانه فرهنگی نیرومندی برخوردارند؛ گرچه پژوهش‌های تاریخی در این زمینه بسیار اندک است، ولی می‌توان گفت که فرهنگ یاریگری در ایران که بر اساس تشکل‌های مردمی است، سابقه‌ای طولانی دارد. در روستاهای ایران نیز مشارکت مردمی از دیرباز به اشکال مختلف از جمله همیاری در برداشت محصول، دفع آفات، کمک رسانی در هنگام وقوع بلایای طبیعی وجود داشته است، اما

1. Charity groups of people

می‌توان گفت یکی از کارآمدترین و مهم‌ترین اشکال همیاری در روستاهای ایران «بنه»^۱ بوده است. بنه‌ها به عنوان یک سازمان اجتماعی و مردمی برای تولید محصولات کشاورزی با میزان اراضی و حق آب (سهم آب) معین و مدیریت نیمه سازمان‌یافته در طول زمان تکامل یافته‌اند (ازکیا، ۱۳۷۴). مطالب یادشده درباره سازمان‌های مردمی به شکل سنتی آن بود. اما درباره سازمان‌های غیردولتی به شکل امروزی وضع فرق می‌کند. پایه‌های ابتدایی و اولیه سازمان‌های غیردولتی در ایران در جوامع شهری به صورت مشارکت مردم در امور مربوط به اداره خانوارهای بی‌سرپرست، کاریابی برای بیکاران، دستگیری از مستمندان، تأسیس پرورشگاه، دارالمجانین، درمانگاه، مدرسه و... توسط افراد خیر و معتمدین محلی در شهرهای بزرگ بنا نهاده شد (دفتر ترویج و مشارکت مردمی جهاد، ۱۳۷۷).

نقش سازمان غیردولتی در تولید سرمایه اجتماعی

فرضیه اصلی ادبیات توسعه اجتماعی آن است که «سازمان‌های غیردولتی (NGOs) به مثابه حاملان اصلی سرمایه اجتماعی، بالقوه می‌توانند ظرفیت چشم‌گیری برای ارتقای سطح توسعه اجتماعی از خود بروز دهند» (ایمانی جاجرمی، ۱۳۸۱، ص ۴۸).

تنوع فعالیت‌های سازمان‌های غیردولتی بسیار زیاد است. آن‌ها در اموری مانند فعالیت‌های امدادی، رفاهی، مذهبی و خیریه خدماتی، مبارزه با خشونت، دفاع از حقوق بشر، توسعه، علم و فناوری، هنر، حرفه‌ها، مطبوعات، زنان، جوانان، پناهندگان و مهاجران، سالخوردگان و محرومین در جنبش و تلاش هستند. در کنار این برداشت می‌توان هیئت‌های محلی^۲ (CBOs) را نیز در زمره سازمان‌های غیردولتی تلقی کرد.

«اوفه و فوش دو معیار وضعیت عضویت و نحوه تعیین اهداف را به عنوان ملاک‌های اصلی تمییز سازمان‌ها از نظر تولید سرمایه اجتماعی طرح کرده‌اند. پس اگر سازمان‌های غیردولتی، سازمان‌هایی

1. Luggage
2. Local board

باشند که «عضویت» در آن‌ها داوطلبانه و اختیاری باشد، این ویژگی آن‌ها را از نهادها و گروه‌هایی که عضویت در آن‌ها اکتسابی و بر اساس خون و نسب صورت می‌گیرد، مجزا می‌کند. البته ملاک عضویت به‌تنهایی برای آنکه یک سازمان‌های غیردولتی مولد سرمایه اجتماعی باشد کافی نیست، زیرا سازمان‌هایی هستند مانند ادارات دولتی و شرکت‌ها که فرد بنا به اختیار و میل خود عضوی از آن‌ها تلقی می‌شود. این گونه سازمان‌ها ویژگی‌هایی مانند روابط سلسله‌مراتبی، اهداف مشخص و رسمی و پرداخت دستمزد معین و معمولاً منظم به اعضا دارند.

به‌طور خلاصه هنگامی می‌توان سازمان‌های غیردولتی را مولد سرمایه اجتماعی دانست که از ویژگی‌های زیر برخوردار باشند:

الف) عضویت در آن‌ها داوطلبانه و اختیاری باشد.

ب) تعیین اهداف در آن‌ها بر اساس مشورت و همفکری میان اعضاء صورت گیرد.

پ) اعضای آن‌ها روابط افقی و مبتنی بر برابری حقوق با یکدیگر داشته باشند.

ت) آن‌ها کمترین وابستگی را به نهادهای صاحب و اعمال‌کننده قدرت سیاسی در جامعه یعنی دولت داشته باشند.

ث) آن‌ها برای کسب سود و منفعت فعالیت نمی‌کنند، بلکه اهدافی غیرانتفاعی مانند کمک به فقرا، آموزش، توجه به محیط زیست و ایجاد ائتلاف میان گروه‌های کوچک مردم دارند.

ج) آن‌ها میان دولت و مردم در شکل توسعه‌ای یا میان حامیان و گروه‌های هدف در شکل سنتی به عنوان یک میانجی یا واسطه عمل می‌کنند (آریان‌پور، ۱۳۸۷، ص ۱۶۴).

سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی^۱ از مفاهیم نوینی است که امروزه در بررسی‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جوامع مدرن مطرح می‌گردد. طرح این رویکرد در بسیاری از مباحث اقتصادی، سیاسی و اجتماعی،

نشان دهنده اهمیت نقش ساختارها و روابط اجتماعی^۱ به متغیرهای، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی است. سرمایه اجتماعی عمدتاً مبتنی بر عوامل فرهنگی و اجتماعی بوده و شناسایی آن به عنوان یک نوع سرمایه چه در سطح مدیریت کلان توسعه^۲ کشور و چه در سطح مدیریت سازمانها و بنگاهها می تواند شناخت جدیدی را از سیستم اقتصادی، سیاسی و اجتماعی ارائه نماید و مدیران را در هدایت بهتر سیستم یاری رساند.

از سرمایه اجتماعی تعاریف مختلفی ارائه شده است، فوکویاما^۳ سرمایه اجتماعی را این گونه تعریف می کند:

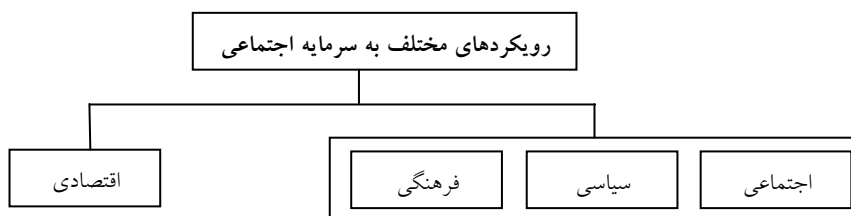
سرمایه اجتماعی، مجموعه هنجارهای موجود در سیستم اجتماعی است که موجب ارتقای سطح همکاری اعضای آن جامعه شده است که با پایین آمدن سطح هزینه های تبادلات و ارتباطات افزایش می یابد (فوکویاما ۱۹۹۹، ص ۸۸)

سرمایه اجتماعی مجموعه منابعی است که در ذات روابط خانوادگی و در سازمان جامعه وجود دارد و برای رشد شناختی و اجتماعی کودک و نوجوان سودمند است و می تواند مزیت مهمی برای رشد سرمایه انسانی باشد (لوری، ۱۹۸۵، ص ۳۲). سرمایه اجتماعی دارایی است که در زندگی روزمره مردم مورد استفاده قرار می گیرد، مانند نوع دوستی، اعتماد به یکدیگر، متابعت، پیروی از یکدیگر، همدردی و تعاملات اجتماعی^۴ میان افراد و خانواده ها که یک واحد اجتماعی را می رساند.

در بین نظریاتی که درباره سرمایه اجتماعی مطرح شده است تعریف پاتنام^۵ به بحث ما بسیار نزدیک است. پاتنام در بحث شمال و جنوب ایتالیا به این نتیجه می رسد که دلیل اصلی دموکراسی در شمال ایتالیا که نسبت به جنوب افزایش چشمگیری دارد وجود سرمایه اجتماعی بالا در بین افراد آن منطقه است، بنابراین، در تعریف خود اینگونه بیان می کند:

-
1. Community Relations
 2. Macro management development
 3. Fukuyama
 4. Social interactions
 5. Putnam

جنبه‌هایی از سازمان اجتماعی، مانند اعتماد شبکه‌های خاص که می‌تواند با تسهیل فعالیت‌های هماهنگ، کارایی یک جامعه را ارتقا بخشد. وی در رابطه با کارآمدی دموکراسی در شمال و جنوب ایتالیا به این نتیجه می‌رسد که سرمایه اجتماعی در شمال حضور و کارایی بیشتری دارد و بنابراین، دموکراسی^۱ و میزان مشارکت افراد بهتر عمل کرده است. که وی سه شاخص را برای سرمایه اجتماعی مطرح می‌کند، آگاهی، مشارکت^۲ و جامعه مدنی^۳ (پاتنام، ۱۹۷۵، ص ۴۰).



شکل ۱. رویکردهای مختلف به سرمایه اجتماعی

در این تقسیم‌بندی موارد مطرح از قبیل مشارکت در شبکه‌ها، اعتماد، هنجارهای روابط متقابل، اخلاق، مسئولیت اجتماعی و... به عنوان مؤلفه‌های تشکیل دهنده هر یک از ابعاد اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی در نظر گرفته شده است (کاوسی و رحمانی، ۱۳۸۷، ص ۵۰).

بنابراین، کاوسی و رحمانی در مدل تلفیقی خودشان مؤلفه‌های ابعاد اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را بدین شرح مطرح می‌کنند (کاوسی و رحمانی، ۱۳۸۷، ص ۵۲):

- بعد اجتماعی: در بعد اجتماعی این مدل، مؤلفه‌های اعتماد، روابط متقابل، مشارکت، آگاهی

عمومی، اخلاق و مسئولیت اجتماعی مطرح می‌شوند.

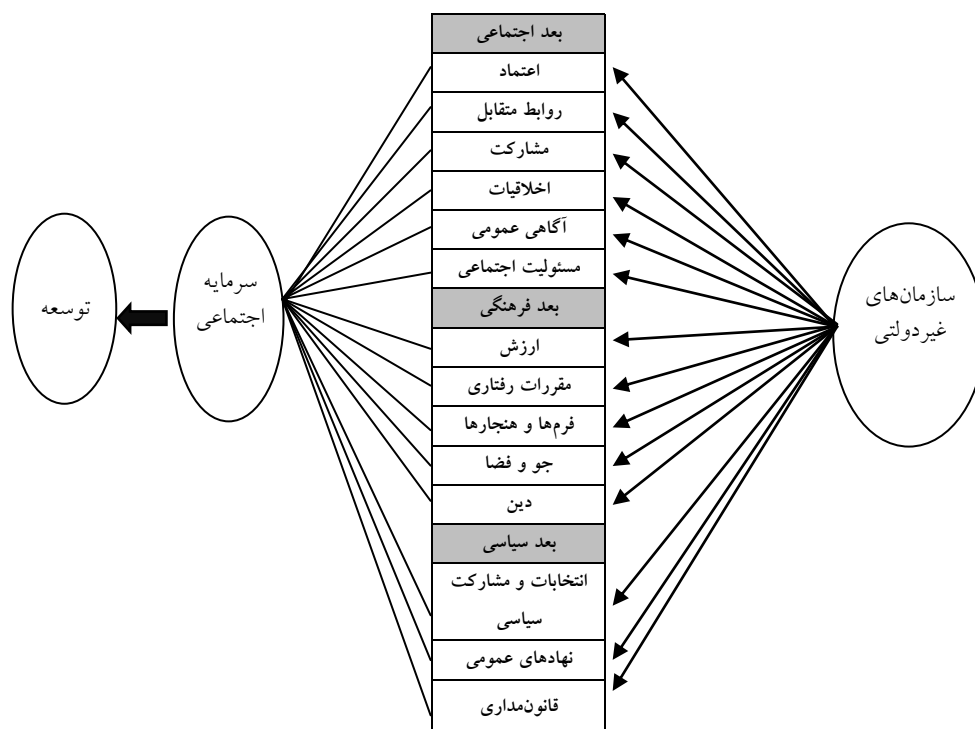
- بعد فرهنگی: در بعد فرهنگی این مدل، مؤلفه‌های مقررات رفتاری، نرم‌ها و هنجارها،

ارزش‌ها، دین و ایدئولوژی و جو و قضا مطرح می‌شوند.

1. Democracy
2. Partnership
3. Civil society

- بعد سیاسی: در بعد سیاسی این مدل، مؤلفه‌های امنیت، مشارکت سیاسی، انتخابات، قانون‌مداری و رسانه‌ها مطرح می‌شوند.

بنابراین، بر اساس موارد مطرح‌شده در این بخش، مدل مفهومی تحقیق در شکل ۲ نشان داده می‌شود.



شکل ۲. مدل مفهومی پژوهش

روش پژوهش

روش پژوهش بر مبنای هدف کاربردی، و بر اساس روش اجرا توصیفی- همبستگی است، زیرا اطلاعات آماری با ابزار پرسشنامه و نگرش اعضای نمونه (۹۳ سازمان‌های غیردولتی) گردآوری

شده است. همچنین، روش پژوهش با توجه به روش اجرا، همبستگی است. زیرا با به‌کارگیری اطلاعات آماری روابط بین متغیرهای پژوهش (متغیر مستقل: سازمان‌های غیردولتی، متغیرهای وابسته: سرمایه اجتماعی و توسعه) بررسی شده است. به بیان دیگر، با روش میدانی اطلاعات از گروه نمونه با ابزار پرسشنامه گردآوری شد و اطلاعات گردآوری‌شده، توصیف، تبیین و روابط بین متغیرها اندازه‌گیری شد. از نظر موضوعی، پژوهش در حوزه علوم انسانی و مطالعات جامعه‌شناسی توسعه و مطالعات سرمایه اجتماعی قرار دارد و از نظر مکانی قلمرو پژوهش را سازمان‌های غیردولتی واقع در استان قم تشکیل می‌دهند. واحد اصلی جامعه آماری پژوهش را سازمان‌های غیردولتی مستقر در قم تشکیل دادند.

جدول ۱. شاخص‌ها، مؤلفه‌ها و ابعاد پرسشنامه پژوهش

«بعد اجتماعی»					
اعتماد	روابط متقابل	مشارکت	اخلاق	آگاهی عمومی	مسئولیت اجتماعی
اعتماد به اکثر اعضا سمن	تعداد دوست در میان جامعه	عضویت در سازمان غیررسمی	رعایت اصول اخلاقی و منشور اخلاقی	تسهیل در دسترسی به اطلاعات	پاسخگویی افراد سمن نسبت به عملکرد
اعتماد به مدیران جامعه	طلب کمک از دوستان و اعضای سمن در زمان نیاز	پیگیری برای حل مشکلات سازمانی	مصلحت‌اندیشی برای ذی‌نفعان و مخاطبین سمن	افزایش آگاهی عمومی در جامعه توسط سمن	مسئولیت سمن در قبال گروه هدف و ذی‌نفعان
انجام‌دادن وظایف همکار و اعضای سمن در غیاب او	شرکت در جلسات و همایش‌ها	مسئولیت‌پذیری در سمن			
ایجاد اعتماد عمومی نسبت به سازمان‌های مردم‌نهاد در جامعه	میزان کمک به اعضای سمن و دیگران	مشارکت در تصمیم‌گیری در سمن	صداقت پیشگی و درستکاری افراد سمن		

«بعد فرهنگی»				
ارزش ها	مقررات رفتاری	نرم‌ها و هنجارها	جو و فضا	دین
شرکت در کار گروهی	پوشش مناسب در سمن	رعایت صرفه‌جویی به جای مصرف نمایشی	همبستگی ناشی از جو و فضا	پابندی به اصول اخلاقی
ترویج فرهنگ تعاون و همکاری توسط سمن	احترام به دیگر اعضای سمن	نگرش نوآورانه به جای تقدیرگرایانه	پرسش‌گری جامعه از مسئولان و پاسخ‌گویی آنها	مشارکت در فعالیت‌های مذهبی
درستکاری و صداقت در رفتار	رعایت مقررات اداری	استقبال از کار گروهی	مشارکت ناشی از جمع‌گرایی	تقدم منافع عامه بر منافع فردی
«بعد سیاسی»				
انتخابات و مشارکت سیاسی	نهادهای عمومی	قانون مداری		
شرکت در انتخابات و رأی‌دادن	حضور در رویدادهای اجتماعی	رعایت اصول قانون اساسی		
مشارکت در سرنوشت جامعه	خدمت‌رسانی سمن‌ها به جامعه و گروه هدف	رعایت قانون در رفتارهای اجتماعی		
	عضویت در نهادهای مدنی	احترام به قانون جامعه		

تحلیل داده‌ها و یافته‌ها

در این تحقیق داده‌های جمع‌آوری شده از پرسشنامه‌ها که بین ۹۳ پاسخگو در سازمان‌های غیردولتی استان قم تکمیل شده بود، تجزیه و تحلیل شد. اطلاعاتی که از اجرای پرسشنامه‌ها به دست آمد، جمع‌آوری و کدگذاری و وارد رایانه شد و با نرم‌افزار «SPSS» در دو بخش توصیفی و استنباطی ورد تجزیه و تحلیل شد. آمار توصیفی برای نمایش فراوانی‌ها، میانگین و انحراف استاندارد به کار گرفته شد. از طریق آمار استنباطی و آزمون تی تک‌نمونه به بررسی تفاوت بین میانگین مشاهده شده با میانگین طیف لیکرت پرداخته شد.

از مجموع ۹۳ پاسخگو در این پژوهش ۵۸/۱ درصد مرد و ۴۱/۹ درصد زن می‌باشند. بیشترین فراوانی در گروه سنی ۲۵ تا ۳۰ سال با ۳۸/۷ درصد و همچنین، از نظر میزان تحصیلات بیشترین فراوانی در گروه تحصیلی لیسانس با ۴۴/۱ درصد مشاهده شده است.

در بُعد اجتماعی میانگین متغیرها به ترتیب روابط متقابل با میزان ۴/۱۱، اعتماد ۳/۸۹، مشارکت ۳/۸۸، اخلاق ۳/۸۵، مسئولیت اجتماعی ۳/۸۴ و آگاهی عمومی ۳/۷۵ به دست آمد. در بُعد فرهنگی میانگین متغیرها به ترتیب با میانگین ارزش‌ها ۴/۱۰، مقررات رفتاری ۳/۹۵، دین ۳/۶۹، نرم‌ها و هنجارها ۳/۶۱ و جو فضا ۳/۵۸ قرار گرفته‌اند. در بُعد سیاسی میانگین متغیرها به ترتیب نهادی عمومی ۴/۸۹، قانون‌مداری ۳/۹۹ و انتخابات و مشارکت سیاسی ۳/۷۷ به دست آمد.

فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر آزمون شد.

فرضیه اصلی: سازمان‌های غیردولتی ضمن افزایش و ارتقای سطح ابعاد، شاخص‌ها و مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی (بعد اجتماعی، بعد فرهنگی و بعد سیاسی)، موجب تسهیل فرایند توسعه در جامعه می‌شوند.

جدول ۲. نتایج آزمون تی تک‌نمونه برای آزمون فرضیه اصلی تحقیق

ابعاد سرمایه اجتماعی	میانگین مشاهده شده	میانگین آماری	اختلاف میانگین	آماره تی	سطح معناداری	نتیجه آزمون
بعد اجتماعی	۳/۹۱	۳	۰/۹۱۱	۴۸/۹۸۷	۰/۰۰۰	تأیید فرضیه
بعد فرهنگی	۳/۷۸	۳	۰/۷۸۰	۳۲/۹۳۵	۰/۰۰۰	تأیید فرضیه
بعد سیاسی	۴/۰۶	۳	۱/۰۵۶	۲۶/۳۸۹	۰/۰۰۰	تأیید فرضیه

با در نظر گرفتن سطح تشخیص ۰/۰۱، تصمیم در این آزمون برای پذیرش فرضیه صفر یا رد آن به این صورت است که اگر سطح معناداری آزمون از مقدار α کوچکتر باشد، فرضیه صفر رد می‌شود و اگر سطح معناداری آزمون از مقدار α بزرگتر باشد، فرضیه صفر پذیرفته می‌شود. در جدول ۲ در همه سطوح ابعاد و مؤلفه‌های سازمان‌های غیردولتی مقدار سطح معناداری کمتر از ۰/۰۱ شده است. از طرفی، با توجه به این موضوع که اختلاف میانگین نیز در همه این سطوح مثبت شده است می‌توان اثبات کرد که سازمان‌های غیردولتی ضمن افزایش و ارتقای سطح ابعاد، شاخص‌ها و مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی (بعد اجتماعی، بعد فرهنگی و بعد سیاسی)، موجب تسهیل فرایند توسعه در جامعه می‌شوند.

آزمون فرضیه اول: سازمان‌های غیردولتی ضمن افزایش و ارتقای مؤلفه‌های بعد اجتماعی (اعتماد، روابط متقابل، مشارکت، اخلاق، آگاهی عمومی و مسئولیت اجتماعی) سرمایه اجتماعی، موجب تسهیل فرایند توسعه اجتماعی در جامعه می‌شوند.

جدول ۳. نتایج آزمون تی تک‌نمونه برای آزمون فرضیه اول

مؤلفه‌های بعد اجتماعی	میانگین مشاهده شده	میانگین آماری	اختلاف میانگین	آماره تی	سطح معناداری	نتیجه آزمون
اعتماد	۳/۸۹۲	۳	۰/۸۹۲	۲۱/۷۸۲	۰/۰۰۰	تأیید فرضیه
روابط متقابل	۴/۱۱۳	۳	۱/۱۱۳	۳۸/۳۱۲	۰/۰۰۰	تأیید فرضیه
مشارکت	۳/۸۸	۳	۰/۸۸۴	۲۵/۶۲۷	۰/۰۰۰	تأیید فرضیه
اخلاق	۳/۸۵	۳	۰/۸۵۵	۱۳/۸۵۰	۰/۰۰۰	تأیید فرضیه
آگاهی عمومی	۳/۷۵	۳	۰/۷۵۳	۱۳/۳۹۷	۰/۰۰۰	تأیید فرضیه
مسئولیت اجتماعی	۳/۸۴	۳	۰/۸۳۹	۱۴/۲۵۲	۰/۰۰۰	تأیید فرضیه

میزان سطح معناداری و اختلاف میانگین به طور همزمان می‌تواند موجب رد یا قبول فرض صفر شد. با توجه به اینکه میزان سطح معناداری در همه مؤلفه‌های بعد اجتماعی کمتر از ۰/۰۱ شده و همچنین اختلاف میانگین با عدد ۳ که میانگین طیف لیکرت است، نیز مثبت شده است؛ بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت سازمان‌های غیردولتی ضمن افزایش و ارتقای مؤلفه‌های اعتماد، روابط متقابل، مشارکت، اخلاق، آگاهی عمومی و مسئولیت اجتماعی که همگی از مؤلفه‌های بعد اجتماعی سرمایه اجتماعی هستند، موجب تسهیل فرایند توسعه اجتماعی در جامعه می‌شوند.

آزمون فرضیه دوم: سازمان‌های غیردولتی ضمن افزایش و ارتقای مؤلفه‌های بعد فرهنگی (ارزش‌ها، مقررات رفتاری، نرم‌ها و هنجارها، جو و فضا و دین) سرمایه اجتماعی، موجب تسهیل فرایند توسعه فرهنگی در جامعه می‌شوند.

جدول ۴. نتایج آزمون تی تک‌نمونه برای آزمون فرضیه دوم

مؤلفه‌های بعد فرهنگی	میانگین مشاهده شده	میانگین آماری	اختلاف میانگین	آماره تی t	سطح معناداری	نتیجه آزمون
ارزش‌ها	۴/۱۰	۳	۱/۱۰۴	۲۱/۲۱۷	۰/۰۰۰	تأیید فرضیه
مقررات رفتاری	۳/۹۵	۳	۰/۹۴۶	۱۹/۰۰۹	۰/۰۰۰	تأیید فرضیه
نُرم‌ها و هنجارها	۳/۶۱	۳	۰/۶۰۶	۱۰/۷۴۲	۰/۰۰۰	تأیید فرضیه
جو و فضا	۳/۳,۵۸۵۸	۳	۰/۵۷۷	۱۰/۷۳۶	۰/۰۰۰	تأیید فرضیه
دین	۳/۶۹	۳	۰/۶۹۴	۱۴/۷۰۳	۰/۰۰۰	تأیید فرضیه

با توجه به جدول ۴ و توجه به ستون سطح معناداری که در همه ردیف‌ها کمتر از ۰/۰۱ شده و فرض یک تأیید شده است. با توجه به این موضوع که میزان اختلاف میانگین در همه مؤلفه‌های بعد فرهنگی مثبت شده است؛ بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت سازمان‌های غیردولتی ضمن افزایش و ارتقای مؤلفه‌های مقررات رفتاری، ارزش‌ها، نرم‌ها و هنجارها، جو و فضا و دین که همگی از مؤلفه‌های بعد فرهنگی سرمایه اجتماعی هستند، موجب تسهیل فرایند توسعه فرهنگی در جامعه می‌شوند.

آزمون فرضیه سوم: سازمان‌های غیردولتی ضمن افزایش و ارتقای مؤلفه‌های بعد سیاسی (انتخابات و مشارکت سیاسی، نهادهای عمومی و قانون‌مداری) سرمایه اجتماعی، موجب تسهیل فرایند توسعه سیاسی در جامعه می‌شوند.

جدول ۵. نتایج آزمون تی تک‌نمونه‌ای برای آزمون فرضیه سوم

مؤلفه‌های بعد سیاسی	میانگین مشاهده شده	میانگین آماری	اختلاف میانگین	آماره تی	سطح معناداری	نتیجه آزمون
انتخابات و مشارکت سیاسی	۳/۷۷	۳	۰/۷۷۴	۸/۲۰۱	۰/۰۰۰	تأیید فرضیه
نهادهای عمومی	۴/۱۹	۳	۱/۱۹۴	۲۰/۸۷۵	۰/۰۰۰	تأیید فرضیه
قانون‌مداری	۳/۹۹	۳	۰/۹۸۹	۱۴/۷۸۸	۰/۰۰۰	تأیید فرضیه

با توجه به مقادیر آماره آزمون تی و سطح معناداری که در همه سطوح کمتر از ۰/۰۵ شده، اثبات می‌شود که همه این مؤلفه‌های این بعد بر سرمایه اجتماعی تأثیرگذار است. از طرفی، با

توجه به این موضوع که میزان اختلاف میانگین مشاهده شده مؤلفه انتخابات و مشارکت سیاسی ۰/۷۷۴، مؤلفه نهادی عمومی ۱/۱۹۴ و مؤلفه قانونمداری ۰/۹۸۹ شده است که همه این مقادیر مثبت است؛ بنابراین، می توان نتیجه گرفت سازمان های غیردولتی ضمن افزایش و ارتقای مؤلفه های انتخابات، مشارکت سیاسی، نهادهای عمومی و قانونمداری که همگی از مؤلفه های بعد سیاسی سرمایه اجتماعی هستند، موجب تسهیل فرایند توسعه سیاسی در جامعه می شوند.

جمع بندی نهایی و نتیجه گیری

با توجه پرسش اصلی تحقیق که بررسی نقش سازمان های غیردولتی در افزایش سرمایه اجتماعی و تاثیر آن بر توسعه است،

و فرضیه این تحقیق که عبارت است از «سازمان های غیردولتی ضمن افزایش و ارتقای سطح شاخص ها، مؤلفه ها و ابعاد سرمایه اجتماعی، موجب تسهیل فرایند توسعه در جامعه می شود»، و همچنین، بر مدار و محوریت مبانی نظری و ابعاد و مؤلفه های سرمایه اجتماعی که مرتبط با کارکردهای اصلی سازمان های غیردولتی بودند، احصا و تدوین شد. در این تحقیق داده های جمع آوری شده از پرسشنامه ها که بین ۹۳ پاسخگو در سازمان های غیردولتی استان قم تکمیل شده بود، در دو بخش توصیفی و استنباطی تحلیل شد. نتیجه آزمون فرضیه اصلی و سایر فرضیه های پژوهش نشان داد بین سازمان های غیردولتی و توسعه و سرمایه اجتماعی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

بنابراین، بر اساس نتایج این پژوهش می توان گفت نقش سازمان های غیردولتی و نفوذ قابل توجه آن ها در جامعه موجب افزایش سرمایه اجتماعی می شود و سازمان های غیردولتی می توانند شرکای نوپای دولت در عرصه های خدمات بشر دوستانه و عام المنفعه محسوب شوند. همچنین، بر اساس نظریه های جدید توسعه و بالاخص رویکرد جامعه مدنی، سازمان های غیردولتی ابزار مناسبی برای هدفمند کردن مشارکت های مردمی و تسهیل فرایند توسعه در جامعه محسوب می شوند. بنابراین، سازمان های غیردولتی هر چقدر بتوانند سرمایه اجتماعی را در جامعه افزایش بدهند، فرایند تسهیل توسعه را فراهم کرده اند. در نهایت، می توان نتیجه گرفت سازمان های

غیردولتی به عنوان نهادهایی خودجوش قادرند با ایفای نقش‌های مختلف به همراه سازمان‌های دولتی و خصوصی راه‌های توسعه را هموار کنند. این سازمان‌ها با ارائه خدمت به بخش‌های نیازمند در جامعه، تسهیل‌کننده فرایندهای تحول و توسعه در ابعاد اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در سطح جامعه می‌باشند.

با توجه به یافته‌های پژوهشی تحقیق و برای اینکه سازمان‌های غیردولتی با توجه به مختصات بومی، ملی، فرهنگی و انقلابی ایران اسلامی بتوانند تأثیر مطلوب و محسوسی در فضای اجتماعی ایران جهت توسعه همه‌جانبه ایفا کنند و باعث افزایش سرمایه اجتماعی به عنوان یک سرمایه بسیار ارزشمند شوند و همچنین، فعالیت‌های خود را با حداقل‌سازی تهدیدها و ضعف‌های موجود گسترش دهند، مناسب است اقدامات گسترده‌ای در سطوح مختلف صورت پذیرد.

۱. کمک به توسعه و رشد کمی و کیفی سازمان‌های غیردولتی در حیطه موضوعاتی نظیر فرهنگی، اجتماعی، مذهبی، هنری و .. جهت تسهیل در فرایند توسعه و همچنین افزایش سرمایه اجتماعی و توسعه در ارتباطات افراد جامعه از طریق کارگروهی و مشارکت‌های جمعی.

۲. واسپاری بخشی از وظایف دولتی به سازمان‌های غیردولتی برای کاهش تصدی‌گری دولت برای بهره‌گیری از نیروهای داوطلب مردمی و مشارکت‌های مردمی در راستای اصل ۴۴ قانون اساسی.

۳. برگزاری کارگاه‌های توانمندسازی و دوره‌های آموزشی و اجلاس‌های تخصصی برای سازمان‌های غیردولتی جهت تقویت کارگروهی و تشریک مساعی و فعالیت تخصصی.

۴. تغییر نگاه نسبت به سازمان‌های غیردولتی در دستگاه‌های دولتی و امنیتی از محدودکننده و تهدیدآمیز به مثبت و فرصت‌انگاران برای تسهیل فرایند توسعه همه‌جانبه و افزایش سرمایه اجتماعی و تقویت فعالیت‌های داوطلبانه و عام‌المنفعه.

۵. فرهنگ‌سازی در خصوص ارتقای مشارکت‌های مردمی به ویژه جوانان در مسائل اجتماعی، فرهنگی و ... برای بهره‌گیری از سرمایه اجتماعی و در نهایت، تقویت سرمایه اجتماعی و تسهیل در فرایند توسعه در جامعه.

۶. اطلاع‌رسانی در زمینه ماهیت و کارکرد سازمان‌های غیردولتی و ترغیب عموم مردم جهت مشارکت در فعالیت‌های گروهی در رسانه‌های عمومی بویژه صدا و سیما. مطابق با نظریه سرمایه اجتماعی (کلمن، پاتنام^۱، فوکویاما^۲) هر چه ساختار سازمانی افقی‌تر باشد، موفقیت‌های آن در اجتماع بیشتر است و هر چه سازمان‌های غیردولتی در جامعه موفق‌تر باشند، فرایند توسعه در جامعه تسهیل و سرمایه اجتماعی بیشتر افزایش خواهد یافت.

در این زمینه پیشنهادهایی به سازمان‌های غیردولتی بیان می‌شود.

۱. تعیین اهداف براساس مشورت و همفکری میان اعضا.
۲. وجود روابط افقی و مبتنی بر برابری حقوق در سازمان غیردولتی.
۳. پرهیز از دخالت در فعالیت‌های سیاسی و جهت‌گیری‌های حزبی.
۴. ایجاد روابطی مبتنی بر اعتماد و ایجاد روح تعاون و همکاری در سازمان غیر دولتی.
۵. تقویت احساس هویت گروهی و سازمانی مشترک و افزایش فعالیت‌های جمعی مشترک.

۶. مشارکت دادن اعضا در تصمیم‌گیری‌های سازمانی.

۷. تقویت فضائل اخلاقی و اصول اخلاقی در سازمان و رعایت عدالت سازمانی با فرهنگ‌سازی متناسب با آن.

۸. تقویت روحیه نوآوری در بین اعضا از طریق افزایش اعتماد به نفس و خودباوری اعضای سازمان غیردولتی.

۹. رعایت مقررات رفتاری از طریق فرهنگ‌سازی در سازمان غیر دولتی.

۱۰. تقویت ارزش‌های صحیح از طریق شرکت در کارگروهی، اشاعه روحیه تعاون و همکاری و اشاعه ارزش‌های فرامادی و اخلاقی مانند محبت، احترام، روابط صمیمی، درستکاری و صداقت در رفتار.

1. Putnam
2. Fukuyama

منابع و مأخذ

۱. آریان‌پور، لیلا (۱۳۸۷). تبیین نقش سازمان‌های غیردولتی به عنوان حاملان اصلی سرمایه اجتماعی در توسعه اجتماعی. *پژوهش‌نامه علوم اجتماعی*، ۲(۳)، ۱۷۴-۱۵۳.
۲. ازکیا، مصطفی (۱۳۷۴). *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعه روستایی*. تهران: انتشارات اطلاعات.
۳. الوانی، سید مهدی (۱۳۸۷). بررسی نقش سازمان‌های غیردولتی بر توسعه. *فصل‌نامه مدیریت بهره‌وری*، ۱(۴)، ۶۴-۳۷.
۴. ایمانی جاجرمی، حسین (۱۳۸۱). فرهنگ مدنی، سرمایه اجتماعی، نقش سازمان‌های غیردولتی. *فصل‌نامه فرهنگ عمومی*، (۳۱).
۵. بشیریه، حسین (۱۳۷۴). *جامعه‌شناسی سیاسی*. تهران: نشر نی.
۶. حاجتی اشرفی، غلامرضا (۱۳۷۳). *مجموعه قوانین اساسی و مدنی*. تهران: انتشارات گنج دانش.
۷. رضایی، زهرا (۱۳۸۶). نقش سازمان‌های غیردولتی در توسعه اجتماعی. *پژوهش‌نامه علوم اجتماعی*، فصل زمستان، (۱۴)، ۱۵۲-۱۲۵.
۸. روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۵). *مجموعه قوانین و مقررات سال ۱۳۸۴*. جلد دوم، تهران: قوه قضاییه.
۹. زارعی‌متین، حسن، قنبری، علی‌اکبر، و قانع، مرضیه (۱۳۹۴). بررسی رابطه هوش عاطفی و سرمایه اجتماعی در تشکل‌های مردم‌نهاد. *فصل‌نامه مدیریت سرمایه اجتماعی*، ۲(۱)، ۲۲-۱.
۱۰. زاکس، ولفگانگ (۱۳۷۷). *نگاهی نو به مفاهیم توسعه*. ترجمه فریده فرهی و وحید بزرگی، تهران: نشر مرکز.
۱۱. سازمان ملی جوانان (۱۳۸۴). *تشکل‌های غیردولتی*. برگرفته از <http://www.javanan.ir> تاریخ ۹۷/۱/۲۵.
۱۲. فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹). *پایان نظم*. ترجمه غلام‌عباس توسلی، تهران: انتشارات جامعه ایرانیان.

۱۳. قوام، عبدالعلی (۱۳۸۴). *چالش‌های توسعه سیاسی*. تهران: انتشارات قومس.
۱۴. کاوسی، اسماعیل، و رحمانی، محمود (۱۳۸۷). *اندازه‌گیری و مقایسه سرمایه اجتماعی در بخش‌های دولتی و خصوصی تهران*. تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی، دفتر گسترش تولید علم.
۱۵. کلمن، جیمز (۱۳۷۷). *بنیادهای نظریه اجتماعی*. ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
۱۶. مرکز آمار ایران (۱۳۸۵). *نتایج آمارگیری از سازمان‌های غیردولتی ۱۳۸۳*. تهران: مرکز آمار ایران، دفتر انتشارات و اطلاع رسانی.
۱۷. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۳). *تشکل‌ها و نهادهای غیردولتی مذهبی در ایران (جایگاه و میدان عمل)*. تهران: گزارش شماره ۹۴۷۲.

18. Alejandro, B. (2006). *NGOs and social movement*. UNRISD, June 2006.
19. Cernea, M. M. (1998). *Non-governmental organizations and local development*. Washington DC: World Bank.
20. Edwards, M., & Holme, D. (1992). *Making a difference: NGOs in a changing world*. London: Earthscan.
21. Lewis, D. (2001). *The Management of non-governmental development organizations*. London: Routledge.